

هشتگ

سبزی محبوب تبریزی ها



خوراکی های عجیب، ترکیبات غیرمنتظره و عادات غذایی متفاوت را می توان در هر شهر و استانی دید؛ هر چند که این موارد برای خود ساکنان آن شهرها عادی است، اما گاهی باعث تعجب دیگران می شود. نمونه اش بحث جالبی است که در روزهای اخیر در مورد تبریزی ها به راه افتاده و فضای مجازی پر شده از واکنش ها و شوخی هایی دربارۀ علاقه عجیب مردم این شهر به هویج! موجی که با انتشار تصاویر سفره های خانوادگی آذربایجانی ها آغاز شد و به سرعت به یکی از داغ ترین سوژه های گفت و گویی بدل شد. محور این کنجکاوی همگانی یک نکته ساده، اما شگفت آور است: هویج در تبریز، به نمادی از فرهنگ غذایی این شهر تبدیل شده است. این روزها کاربران شبکه های اجتماعی با شگفتی و تحسین، از خورش هویج سخن می گویند؛ خورشی که بر سر هر سفره، میز و مهمانی و در هر مراسمی جزو جدانشدنی سفره و نشان عزیز و گرمی داشتن مهمان است. اما نقش هویج در سفره تبریزی ها تنها به خورش ختم نمی شود؛ این سبزی نارنجی همنشین دائمی مهمانی ها و مراسم ها ست و در بسیاری از خانه ها، این سبزی در کنار دیگر میوه ها برای پذیرایی از مهمان در ظرف قرار می گیرد. در قدم زدن میان بازارها و خیابان های تبریز هم به وضوح می توان حضور پررنگ هویج را دید. فروشگاه هایی که تابلوی «هویج فروشی» یا «هویجکده» دارند و فقط انواع هویج مثل زردک می فروشند یا مغازه هایی که انواع فراورده های هویج از مربا تا خلل و حتی آب هویج تازه ارائه می کنند، نشانه ای است از علاقه عجیب مردم این شهر به این سبزی نارنجی پر خاصیت.

دور دنیا

اجاره شانه یک مادر بزرگ



احتمالا شما هم لذت داشتن یک مادر بزرگ مهربان را چشیده اید؛ کسی که می توانید با او مشورت کنید و از تجربه هایش بهره مند شوید؛ کسی که برای شما سوپ خوشمزه می پزد و از خاطر هایش تعریف می کند. اما اگر این جواهر ارزشمند زندگی را از دست داده باشید و همنشینی با یک مادر بزرگ مهربان برایتان به یک آرزو تبدیل شده باشد، باید چه کنید؟ چند سالی است یک شرکت ژاپنی برای رساندن شما به این آرزوی محال راهحلی جدید و جالب پیدا کرده؛ راهحلی به نام «اجاره مادر بزرگ». این شرکت خدماتی، البته مثل بسیاری از شرکت ها، خدماتی چون نظافت، مراقبت از کودک و نگهداری از حیوان های خانگی را به مشتریانش ارائه می دهد، اما اجاره مادر بزرگ، خدمت منحصر به فرد و عجیب این شرکت است که آن را از دیگر رقابایش متمایز کرده. در این نوع خدمت شما می توانید برای یک تا چند ساعت، یک زن سالمند ۶۴ تا ۹۴ ساله را به هزینه ۲۳۰۰۰ تین (۲۳ دلار) در ساعت در اختیار داشته باشید تا به خانه شما بیاید و برایتان غذای خانگی درست کند و قصه بگوید و حسن داشتن یک مادر بزرگ مهربان را به شما منتقل کند. این شرکت از سال ۲۰۱۲ این کار را به دیگر خدماتش اضافه کرد و بعد از گذشت چند سال، هنوز هم یکی از محبوب ترین خدمات این شرکت به حساب می آید. در این روزها حدود ۱۰۰ سالمند شافل در این پست، مشغول کار هستند. آنها معتقدند در این آمد و شدها توانسته اند کلی تجربه زیست خود را در اختیار مشتریانشان قرار دهند که برای زندگی امروز مفید است. البته بد نیست بدانید برخی مشتری های این شرکت، مادر بزرگ ها را برای کارهایی عجیب استخدام می کنند. مثلا مدتی پیش دختری برای جشن عروسی اش درخواست استخدام تعدادی مادر بزرگ را داد، چون معتقد بود میانگین سن مهمانانش پایین است یا زنی که به تازگی از همسرش جدا شده بود به یک مادر بزرگ احتیاج داشت تا سرش را روی شانه های مهربان او بگذارد و یک دل سیر گریه کند.

درع برک בפני האיראנים Kneel before the Iranians

حماسه آریایی

نیم نگاهی به شکست های تاریخی جهان غرب در برابر ایران

فاطمه عباسی

در هیاهوی روزمره تهران، در میان ترافیک و شلوغی های بی پایان، گاهی نگاهی به بالای سر، به بیلبوردهای شهری، می تواند روایتی متفاوت از حال و هوای جامعه را به نمایش بگذارد. این روزها، پس از تنش های اخیر و حمله اسرانیل به خاک کشور، دیوارهای پایتخت میزبان تصاویری معنادار و تاریخی شده اند؛ تصاویری که نه برای تبلیغ یک کالا، بلکه برای یادآوری یک مفهوم عمیق و ریشه دار نصب شده اند؛ غرور ملی. در چهار راه ها و بزرگراه های اصلی شهر، چهره مصمم شاپور اول ساسانی با تاجی باشکوه و متنی که او را «سریاز ایران» می خوانند، به چشم می خورد. در کنارش، جمله ای کوتاه اما پرطنین حک شده است: «امپراتور روم را به زانو در آورَد.» کمی آن سوتر، بیلبوردی عظیم، سنگ نگاره ای آشنا را به تصویر می کشد؛ نقش رستم و صحنه به زانو در آمدن والارین، امپراتور روم، در برابر شاپور سوسار پراسپ. در کنار این تصویر تاریخی، شعری خودنمایی می کند: «روز ازل غربت مرد ها / به زانو در آورده نامرد ها» و در کنار آن، به زبان عبری نوشته شده: «در برابر ایرانیان زانو بزن» و تصویر نتانیاهو به جای والارین گذاشته شده است. انتخاب این تصاویر و این لحظات تاریخی، تصادفی نیست. این یک واکنش فرهنگی و اجتماعی به شرایط کنونی است؛ تلاشی برای پیوند زدن گذشته پرافتخار به حال و آینده. در زمانی که ایران در عرصه بین المللی با فشارهای سیاسی و تهدیدات نظامی روبه روست،

این بیلبوردها کارکردی فراتر از یک باک عکس ساده پیدایمی کنند. آنها به مثابه یک حافظه تاریخی جمعی عمل و به شهروندان یادآوری می کنند که این سرزمین در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود، بارها با قدرت های بزرگ غربی پنجه در پنجه افکنده و از آزمون های سخت، سربلند بیرون آمده است. این اقدام، تلاشی هوشمندانه برای تقویت روحیه ملی و انسجام داخلی است. در عصری که جنگ ها بیش از آنکه در میدان نبرد رخ دهند، در عرصه روایت ها و جنگ های روانی شکل می گیرند، این تصاویر به عنوان یک سپر دفاعی فرهنگی عمل می کنند. آنها به نسل جوان می گویند که هویت ایرانی، هویتی مبتنی بر مقاومت، شجاعت و پیروزی است. این بیلبوردها صرفا یک یادآوری تاریخی نیستند، بلکه پیامی روشن به رقبای منطقه ای و جهانی ایران دارند؛ اینکه ملتی که در حافظه تاریخی خود، شکست امپراتوری ها و به اسارت در آوردن امپراتوران را دارد از تهدیدهای امروزی هراسی به دل راه نمی دهد. این تصاویر، تاریخ را از دل کتاب ها بیرون کشیده و در معرض دید عموم قرار داده اند تا بگویند غرور ایرانی، ریشه هایی به عمق دوران باستان دارد. تاریخ ایران، مملو از تقابل های سرنوشت ساز با قدرت های غربی، از یونانیان و سلوکیان گرفته تا امپراتوری قدرتمند روم است. این نبردها صرفا درگیری های مرزی نبودند، بلکه جنگ هایی برای حفظ هویت، تمامیت ارضی و اثبات برتری تمدنی بودند. پیروزی در این نبردها تأثیرات شگرفی بر روحیه ملی، توازن قدرت جهانی و مسیر تاریخ داشت. در ادامه به برخی از مهم ترین این پیروزی ها که پژواک آن امروز بر دیوارهای شهرمان طنین انداز شده است، نگاهی می اندازیم.

نبرد تیسفون/ مرگ امپراتور روم در قلب ایران

در سال ۶۳۷ میلادی، ژولیان، امپراتور روم، با سواد فتح ایران، لشکر عظیمی را به قلب قلمروی ساسانی هدایت کرد. او تا دیوارهای پایتخت ایران، تیسفون، پیشروی کرد، اما ارتش ایران به فرماندهی شاپور دوم ساسانی، ارتش روم را فرسوده و از فتح پایتخت بازداشت. در مسیر بازگشت، ژولیان بر اثر زخمی که از نیزه یک سوار ایرانی برداشته بود، کشته شد. مرگ امپراتور در خاک دشمن، ارتش روم را در آستانه فروپاشی کامل قرار داد. جانشین او برای نجات اقیانامند سپاه مجبور به امضای یک پیمان صلح خفت بار شد که به موجب آن، ژالیات مهم در میان رودان و ارمنستان به ایران واگذار شد؛ یک پیروزی استراتژیک بزرگ برای ساسانیان.

فتح آتن / اوج قدرت نمای هخامنشیان

در سال ۴۸۰ پیش از میلاد، خشایارشا، پادشاه هخامنشی در پاسخ به دخالت های آتن در امور ایالات ایرانی و به آتش کشیدن سارد، بزرگ ترین لشکرکشی جهان باستان را علیه یونان سازماندهی کرد. پس از پیروزی در نبرد در میوپل و در هم شکستن مقاومت اسپارت ها به رهبری لئونیداس، راه برای پیشروی به قلب یونان باز شد. ارتش ایران سسب به سمت آتن حرکت کرد و این شهر که نماد اصلی مقاومت یونانی بود را به طور کامل فتح کرد و به تلافی آتش سوزی سارد، به آتش کشید. اگر چه نیروی دریایی ایران بعد از نبرد سالامیس شکست خورد، اما فتح آتن یک پیروزی نمادین و استراتژیک بزرگ بود. این اقدام، اوج قدرت امپراتوری هخامنشی و حضور نظامی آن در خاک اروپا را به نمایش گذاشت و به دنیا نشان داد که قدرت ایران تا چه حد گسترده است.

نبرد خُزان / تحقیر روم به دست سورنا

یکی از درخشان ترین پیروزی های نظامی تاریخ ایران در سال ۵۳۰ پیش از میلاد رقم خورد. مارکوس کراسوس، یکی از ۳۰۰۰۰۰ سالک بزرگ روم، با ارتشی عظیم و منظم به قصد فتح ایران وارد میان رودان شد. در دشت های خُزان، او با سپاهی به مراتب کوچک تر اما کار آزموده تر به فرماندهی سپهبد سورنا، فرمانده افسانه ای ارتش اشکانی روبه رو شد. سورنا با به کارگیری تاکتیک بی نظیر جنگ و گریز با رتیبازی و استفاده از سواران کمان دار ماهر و زره پوشان سنگین اسلحه (کاتافراکت ها)، ارتش روم را محاصره و نابود کرد. در این نبرد فاجعه بار برای رومیان، کراسوس و پسرش کشته شدند و پرچم های لژیون های روم (عقاب ها) به دست ایرانیان افتاد که بزرگ ترین ننگ برای یک ارتش رومی بود. این پیروزی برای قرن ها رود فرات را به عنوان مرز تثبیت شده میان امپراتوری تعیین کرد و نام سورنا را جاودانه ساخت.

فتح اورشلیم و شمال آفریقا

آخرین فتوحات ایرانیان باستان در اوایل قرن هفتم میلادی و در زمان سلطنت خسرو پرویز، آخرین پادشاه بزرگ ساسانی، ایران و بیزانس (روم شرقی) وارد طولانی ترین و بزرگ ترین جنگ تاریخ خود شدند. در مرحله اول این جنگ ها (۶۰۲ تا ۶۲۲ میلادی)، ارتش ساسانی به فرماندهی سپهبد های بزرگی چون شهربراز و شاهین به پیروزی های خیره کننده ای دست یافت. آنها تمام شام، فلسطین و آناتولی را فتح کردند. در سال ۶۱۴ میلادی، اورشلیم (بیت المقدس) به دست ایرانیان افتاد و صلیب راسستین، مقدس ترین شیء جهان مسیحیت، به عنوان غنیمت به تیسفون فرستاده شد. سپس در سال ۶۱۹ میلادی، ارتش ایران مصر را فتح کرد و مرزهای امپراتوری ساسانی را به حدود مرزهای هخامنشیان رساند. سپاه ایران حتی تا پشت دیوارهای قسطنطنیه، پایتخت بیزانس، پیش رفت. این دوره ۲۰ ساله، اوج قدرت نظامی ایران در اواخر دوران باستان بود که امپراتوری روم شرقی را تا آستانه نابودی کامل پیش برد.

نبرد ادسا / به زانو در آمدن امپراتور روم

تصویری که امروز بر بیلبوردهای شهری نقش بسته، یادآور یکی از بی سابقه ترین وقایع تاریخ جهان است. در سال ۲۶۰ میلادی، والارین، امپراتور روم با لشکری متشکل از ۷۰ هزار نفر برای مقابله با پیشروی های ایران به رهبری شاپور یکم ساسانی به منطقه آمد. در نبرد ادسا (شمال میان رودان)، شاپور با یک تاکتیک استراتژی هوشمندانه ارتش روم را محاصره و به طور کامل شکست داد. اما نقطه اوج این پیروزی، اتفاقی بود که تاریخ نظیر آن را ندیده بود؛ شاپور موفق شد والارین، امپراتور روم را زنده به اسارت بگیرد. این واقعه شوکی عظیم به جهان روم وارد کرد و اقتدار امپراتوری ساسانی را به اوج رساند. شاپور این پیروزی تاریخی را در سنگ نگاره های متعددی از جمله نقش رستم جاودانه کرد تا برای همیشه نماد برتری ایران بر بزرگ ترین دشمن غربی اش باقی بماند.

خوش خبر

حمایت به سبک جهادی ها



خبر خوب امروز درباره گروه جهادی «شهید تندگویان» شهرستان ازناست که با هدف کمک به خانواده های زندانیان و اقشار کم بر خوردار، در عرصه های مختلف اجتماعی و اقتصادی در حال فعالیت هستند. این گروه که با جمعی از جوانان فعال و داوطلب شکل گرفته است، تلاش می کند که با شناسایی و حمایت از خانواده های نیازمند در شهرستان ازنا و روستاها، شرایط بهتری برای آنان فراهم کند. گروه جهادی اقداماتی در راستای کاهش مشکلات اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی خانواده های نیازمند انجام داده است؛ از ویزت های رایگان پزشکی گرفته تا ارائه خدمات درمانی و اشتغال زایی. اما یکی از کارهای مهمی که این گروه انجام می دهد، حمایت از خانواده های زندانیان است. مسئول این گروه جهادی می گوید: به دلیل نبود چتر حمایتی از خانواده زندانیان و فشارهایی که جامعه به آنها وارد می کند، به ویژه زمانی که سرپرست خانوار زندانی می شود، تصمیم گرفتیم در راستای رفع مشکلات این خانواده ها قدم برداریم. ابتدا از شناسایی این خانواده ها و افرادی که اعضای خانواده در مرکز ترک اعتیاد به سر می بردند، شروع کردیم. بسیاری از آنها در شرایط سختی قرار داشتند و از حمایت های دولتی بهره مند نمی شدند. هدف اصلی ما این بود که به این افراد کمک کنیم و شرایط زندگی شان را بهبود ببخشیم. گروه جهادی شهید تندگویان تاکنون بیش از ۲۰۰ خانواده را در شهرستان ازنا شناسایی کرده و علاوه بر کمک های معیشتی، ارائه خدمات بهداشتی رایگان مانند ویزت ویزیت پزشکان عمومی و دندانپزشکی، آزمایش های پزشکی و معرفی به پزشکان متخصص در زمینه های دیگر را هم انجام می دهد. گروه جهادی علاوه بر ارائه این خدمات رایگان، پیگیر بیماریانی که نیاز به خدمات تخصصی مانند آزمایشگاه یا سایر خدمات پاراکلینیکی دارند هم هست و آنها را به طور رایگان به مراکز درمانی معرفی می کند تا درمان های تکمیلی خود را دریافت کنند.

سوزۀ روز

انتخاب مناسب



این روزها که ایام فراغت تابستانی بچه ها آغاز شده، کسب و کار شهرهای ساحلی ها سکه است؛ گروه قابل توجهی از شهروندان در فصل تابستان حداقل یکی دو بار فرزندانشان را به شهرهای می برد و برای آنها لحظات خوشی را به وجود می آورند. البته در زمان حضور در این فضای هیجان انگیز، رعایت نکات ایمنی بسیار حیاتی که همه نسبت به آن آگاهیم، از توجه به علائم هشدار دهنده هر وسیله بازی گرفته تا نوع تغذیه و نخوردن غذای سسنگین حین بازی از جمله مواردی است که در جریان آن هستیم تا آسیبی به خانواده ما نرسد. اما گاهی بی توجهی به برخی نکات کوچک، ضربه ای بزرگ به روح کودکان و نوجوانان ما وارد می کند و حضور در شهرهای به لحظات ناخوشایندی برای ما تبدیل می شود. یکی از این موارد با اهمیت، انتخاب شهرهای مناسب با گروه سنی فرزندانشان است. وقتی کودکی ۱۰ ساله صدای هیجان گروهی را می شنود که روی صندلی های برج سقوط نمسته اند یا روی ترن هوایی چنان می چرخد که صدای فریادشان تا کیلومترها آ طرف تر هم شنیده می شود، جذب این بازی ها می شوند، اما تا نوبتشان می شود، متوجه می شوند این بازی ها مناسب سن آنها نیست و خلاصه دم آب، تشنه باز می گردند. برخی شهرهای، بیشتر وسایطان مخصوص بزرگسالان است و حضور کودکان در آنجا، به جای افزایش نشاط و شادابی، غم و غصه بچه ها را افزایش می دهد و اعتماد به نفسشان را از بین می برد.